

سیر تحول کتابشناسی‌های اسلامی (مروری مقدماتی)

حجت‌اله حسن لاریجانی

جهان اسلام به تبعیت پراکندگی معتقدان و پیروان آن، به حق جهان‌شمول است. پژوهش در جهان اسلام نیز خود پژوهشی جهان‌شمول است. جهان اسلام دارای حوزه‌های علمی وسیعی است که می‌توان از آن به علوم اسلامی یاد کرد که منابع متعدد و وسیعی در هر یک از شعب این علوم خلق شده است.

پراکندگی پیروان اسلام در جغرافیای جهان، پیدایش مذاهب و فرقه‌های متعدد و متنوع، فراگیری و جامعیت برخی از مذاهب، و محدودیت مذاهب دیگر، نژادهای انسانی، ملیتهای متنوع که به اسلام روی آورده‌اند همه، پراکندگی جغرافیایی را در عرصه‌های دیگر پراکنده‌تر و متنوع‌تر می‌سازد.

با توجه به ویژگی‌های جهان اسلام و به دنبال آن موقع و موضع کتابنامه‌هایی که در ارتباط با چنین خاصه‌هایی تهیه و تدارک شده و انتشار یافته است، ابعاد بسیار وسیعی دارد که به حوزه‌های علم‌شناختی باز می‌گردد. روش‌شناسی تحقیق در «سیر تحول کتابشناسی‌های اسلامی» از این مجموعه ویژگی و خاصه متأثر است.

روش‌شناسی تحقیقی برای شناخت منابع کتاب‌شناختی اسلام از مجموعه‌ای از روشهای زیر نیز متأثر است:

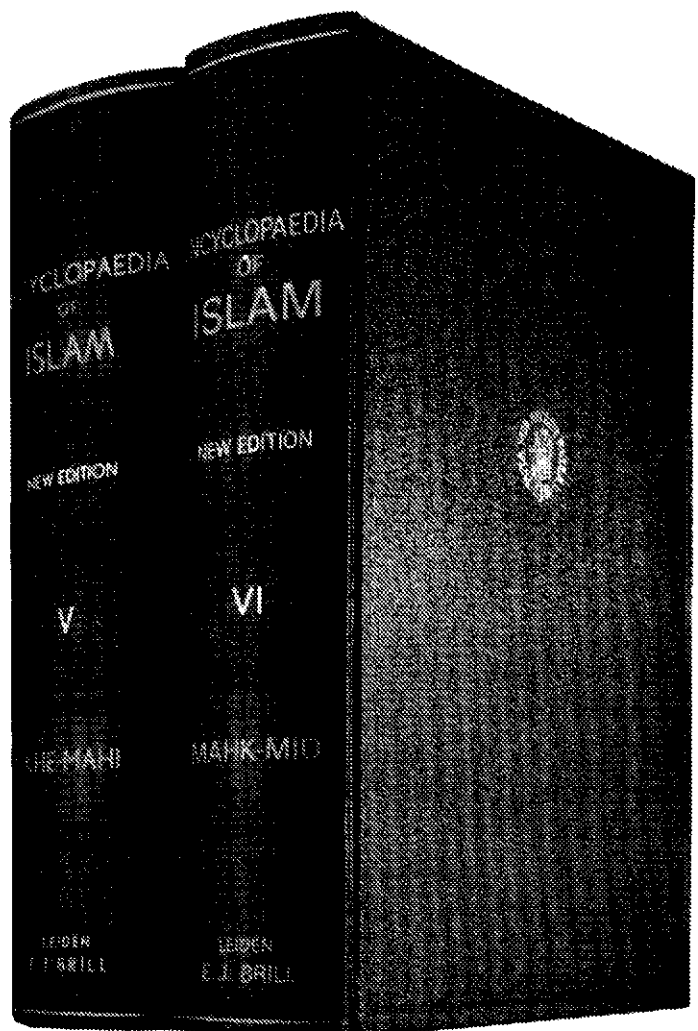
۱. روش‌شناسی تاریخی
۲. روش‌شناسی علوم محض
۳. روش‌شناسی هنر و فنون

شیوه‌های تحقیق یا راههای عملی جستجوی اطلاعات کتاب‌شناختی و رویه‌های ثبت این اطلاعات نیز نیازمند قواعد یکسان و یکدستی است که از سایر رویه‌های متعارف جدا خواهد بود. فی‌المثل ثبت و ضبط اطلاعات کتاب‌شناختی نسخه‌های خطی با ثبت و ضبط اطلاعات کتاب‌شناختی منابع چاپی متفاوت است و تاکنون نیز رویه‌های مشخص و یکدستی برای نسخه‌های خطی تنظیم نشده است.

گرچه در بخش ثبت اطلاعات کتاب‌شناختی منابع چاپی مشکل عمده‌ای وجود ندارد، ولی در ثبت اطلاعات کتاب‌شناختی نسخه‌های خطی، حداقل تنظیم قواعدی هرچند ابتدایی ضرورتی تام دارد.

تجزیه و تحلیل اصطلاحی کتابشناسی

امروزه واژه‌ها و اصطلاحاتی چون «فهرست»، «کتابنامه»، «کتابشناسی»، و «منابع و مآخذ»، یا «فهرست منابع و مآخذ» از گونه‌واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی به حساب می‌آیند. ولی پاره‌ای از این اصطلاحات فاقد تاریخ کهن هستند. اصطلاحاتی





چون «کتابنامه»، و «کتابشناسی» در متن مفهوم امروزی آنها، به دوره‌های جدید تاریخ کتابداری در ایران و جهان اسلام باز می‌گردد. در کتابداری کهن، یا کتابداری سنتی، و یا در جهان شناسایی کتب و علوم وابسته به آن، اصطلاحاتی چون «مستدرک»، «استدراکات»، «الفهرست»، و «فهرست» رایج بوده است که با شیوه‌های خاص، و در مکانهای ویژه‌ای از کتب یا آثار ظاهر می‌شد. «فهرست مقالات»، «مقاله‌نامه» و اصطلاحاتی از این دست که به طور اساسی معلول و مدلول پدیده دیگری چون «مجله»، «روزنامه» و یا به طور کلی «ادواری‌ها» هستند، خود به پیدایش مجلات و روزنامه‌ها باز می‌گردند که در مقیاس جهانی می‌توان آنها را در زمره پدیده‌های جدید منظور داشت. آنچه در این میان به جهت بحث «سیر تحول کتابشناسی‌ها در جهان اسلام» مورد نظر است، اشاره به دسته‌ای از منابع و مآخذ دارد که از طریق «واژه‌ها»، و «اصطلاحات» امروزی (در مفهوم متعارف آن) نمی‌توان به ماهیت آنها پی برد. تنها از طریق بحث «تعریف»، و تنظیم «حدود» برای چنین منابعی می‌توان آنها را در زمره آثار «کتابشناختی» قرار داد. برای نمونه:

کشف‌الظنون حاجی خلیفه، رجال نجاشی، رجال شیخ طوسی، الفهرست شیخ طوسی، الفهرست محمد بن اسحاق اندیم، رجال ابن داود، رجال علامه، معالم العلماء ابن شهر آشوب، و سایر منابع و مآخذ از این دست در حکم آثار کتابنامه‌ای به شمار می‌روند که ضمن معرفی شخصیت‌های علمی اسلام، در آنها به ذکر نام آثار این شخصیت‌ها نیز می‌پردازند.

در ساده‌ترین، عمومی‌ترین، جامع‌ترین، و رایج‌ترین «تعریف» و «تحدید» کتابشناسی می‌توان آن را «مطالعه، بررسی و تحقیق در شکل مادی آثار و نوشته‌های مکتوب دانست که به تجزیه و تحلیل کتی و کیفی، و تاریخی تحریرها، چاپها، نسخه‌ها، با تأکید بر تاریخ و تحول متن‌ها، می‌پردازد»^۱. خطوط مشخصی که از این تعریف حاصل می‌شود و در بحث از تحول کتابشناسی‌ها در جهان اسلام می‌توان از آنها سود جست عبارتند از:

۱. درواقع با دانشی سروکار داریم که تحول آثار مکتوب را در طول تاریخ و با توجه به عوامل مؤثر و متأثر مورد مطالعه قرار می‌دهد.^۲

۲. از این رودانشی است که «مجموعه‌ای که حاوی اطلاعات کتابشناسی آثار خطی یا چاپی بوده و با نظم بخصوص و به قصد استناد و ارائه اطلاعات تهیه شده باشد»^۳ را فراهم می‌آورد.

۳. حتی با معرفتی سروکار داریم که «فقط کتابهای مربوط به یک شخص یا یک رشته را معرفی می‌کند»^۴

۴. از این رودانشی است که با «مقایسه، اختلافات موجود در چاپها، تحریرها و نسخه‌ها» را تعیین می‌کند.^۵ در اینجا، کلیه «کتابشناسی‌ها»، «کتابنامه‌ها»، «فهرستها»، «فهرست مندرجات ادواری‌ها»، «فهرست نسخه‌های خطی»، «فهرست مقالات»، «مقاله‌نامه‌ها»، «فهرست منابع و مآخذ»، و هر آنچه که به گونه‌ای به «تجزیه و تحلیل کتی و کیفی و تاریخی» آثار و نوشته‌های مکتوب بپردازد، از مقوله بحث «کتابشناسی» است.^۶

تعاریف پذیرفته‌شده کتابشناسی

به طور اخص تعریف «مطالعه شکل مادی آثار مکتوب، با مقایسه اختلافات موجود در چاپها، تحریرها و نسخه‌ها به منظور تعیین تاریخ و تحول متن‌ها»، پذیرفته شده است که برای نسخ خطی و نادر نیز به کار می‌رود. با پذیرش این تعریف «فهرست کتابها و دیگر مواد خواندنی و حتی فهرست آثار مکتوب» نیز در محدوده بزرگ تعریف «کتابشناسی» قرار می‌گیرند و در بحث «تحولات تاریخی کتابشناسی‌های اسلامی» قرار دارند.

در این تعریف که به آن اشاره شد، چون جنبه‌های استنادی آثار مکتوب ملحوظ می‌گردد، کلیه منابع تفسیری و حتی منابع حدیث از جمله آثار «کتابشناسی» است که دامنه و وسعت معرفت کتابشناسی را تعیین می‌کند: یعنی کلیه آثاری که رویکردی به آثار مکتوب و معرفی آنها دارد از سلسله آثار «کتابشناسی» به حساب می‌آیند و وارد مقال کتابشناسی اسلامی می‌گردد، که به حوزه‌های علوم قرآنی و علوم حدیث و تفسیر برمی‌گردد. علوم قرآنی، علم حدیث و علم تفسیر درواقع مباحثی هستند که روشنگر معارف اسلامی اند.

قلمروهای اسلامی: قلمروهای زبانی و قلمروهای فرهنگی

سرزمینهایی که بوسیله مسلمان گشوده شد، حوزه‌های وسیعی از قاره‌های آفریقا، اروپا، آسیا و بخشهایی از جزایر بزرگ اقیانوس هند را دربر می‌گرفت. در این سرزمینها با وسعتی زیاد، ملتها و مردمانی زندگی می‌کردند که به زبانهای گوناگون سخن می‌گفتند و از جهت نژادی، و به تبع زبان و نژاد، با فرهنگهای گوناگون قومی بودند. در یک مقیاس کلان می‌توان سرزمینهای اسلامی را با زبان آنها مشخص ساخت که امروزه نیز این زبانها زنده اند و در نواحی وسیعی رایج هستند:

۱. زبان عربی که بخشهایی از آسیای غربی و شمال آفریقا را زیر پوشش دارد.

۲. زبان فارسی و شعبات وابسته به آن (کردی، بلوچی، آذری و...) که سرزمینهای ایران، افغانستان، تاجیکستان،

امروزه به صورت یک زبان رسمی پذیرفته شده است.

علوم اسلامی و حوزه‌های آن

در قلمروهای اسلامی همه علوم و معارف بشری که به نیازهای افراد جامعه پاسخ می‌گفت، رایج بوده است، و امروزه نیز همه علوم و معارف بشری رواج دارد. «علوم» در حوزه‌های اسلامی یا به زبان دقیقتر حوزه‌های علوم در جهان اسلام به دو حوزه بزرگ علوم عقلی و علوم نقلی تقسیم می‌شود.

این طبقه‌بندی را طبقه‌بندی اعم یا کلان می‌توان نامید که همه علوم، دانشها و معارف را دربر می‌گیرد. ولی به طور اختصاص «علوم اسلامی» به آن دسته از معارف بشری اطلاق می‌شود که موضوع آنها «اصول یا فروع اسلام» است، یعنی علوم قرآنی و سنت که به شعبه‌ها و رشته‌های گوناگونی چون علم قرائت، علم تفسیر، علم حدیث، علم کلام نقلی، علم فقه، علم اخلاق نقلی تقسیم می‌گردد.

علوم قرآنی و سنت مستلزم علوم پایه‌ای هستند که می‌توان آنها را «علوم مقدمه» نامید چون علم صرف و نحو، علم لغت و معانی و بیان و بدیع و...، علم کلام عقلی، اخلاق عقلی، حکمت الهی، منطق، اصول فقه، رجال، و درایه، و حتی ادبیات

سرزمینهای کردنشین مشترک بین ایران، عراق، ترکیه، و سوریه را زیر پوشش دارد.

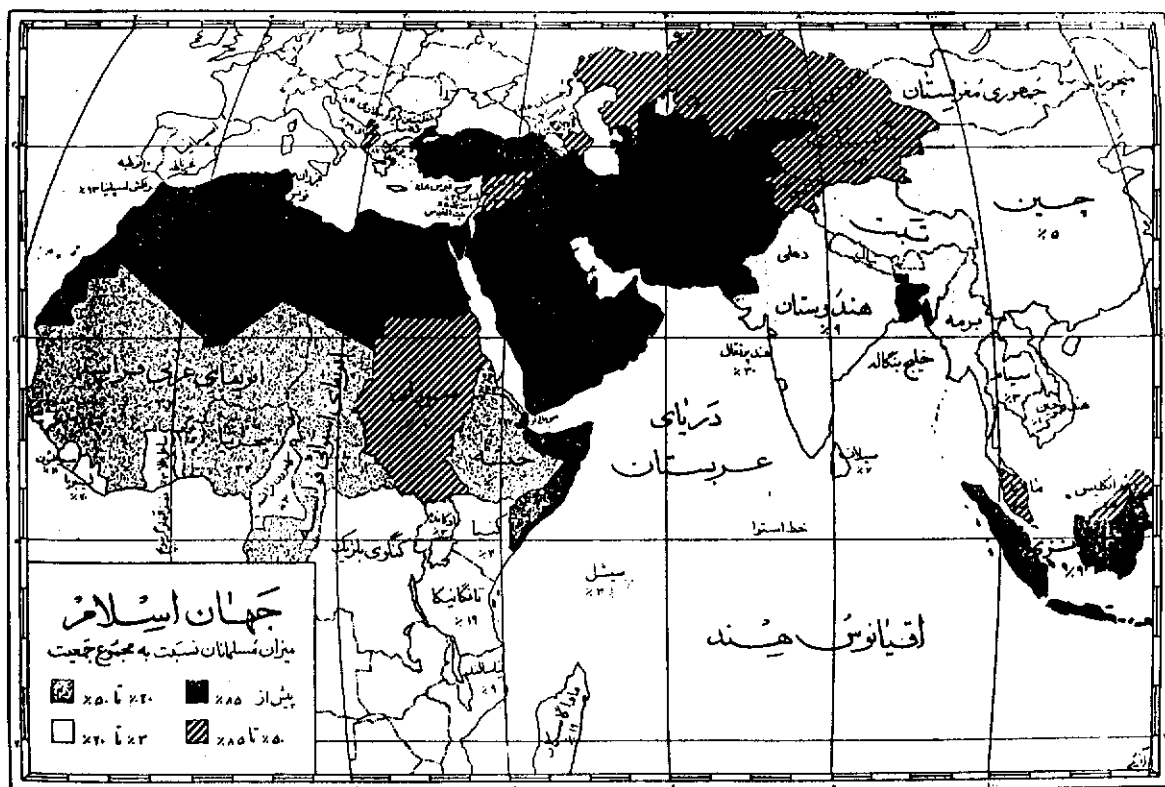
۳. زبان ترکی و زبانهای که ریشه مغولی دارند در نواحی ترکیه امروزی، بخشهایی از جمهوری آذربایجان، نواحی ترکمنستان، ازبکستان، نواحی شمالی افغانستان تا سرزمینهای مغولی شمال چین رایج است.

۴. زبانهای هندی و اردو که پاکستان، بخشهای شرقی هندوستان و نواحی جنوبی و جزایر اقیانوس هند را دربر می‌گیرد.

۵. زبان باساها و شعبات وابسته به آن که در اندونزی، مالزی، فیلیپین، و جزایر اقیانوس هند رواج دارد.

زبانها، گویشها و لهجه‌های محلی در اکثر قلمروهای اسلامی دیده می‌شود و در مواردی نیز رواج فراوانی دارند، ولی در قالب زبانهای اصلی و رایج در قلمروهای اسلامی قرار می‌گیرند و در واقع قائم به ذات نیستند.

با ظهور پدیده استعمار و تسلط اروپائیان بر سرزمینهای شرقی و قلمروهای اسلامی، زبانهای فرانسوی، آلمانی و انگلیسی نیز در قلمروهای اسلامی رایج گشت و برخی از کشورهای اسلامی و یا کشورهایی که مسلمانان در آنجا فراوان بودند، زبانهای اروپایی را پذیرفتند؛ مانند زبان انگلیسی و رواج آن در هند و پاکستان که





عرب که در فهم قرآن، حدیث، و تفسیر تعیین کننده است. مبدأ «علم تفسیر»، مطالعه قرآن بود، و مبدأ «علم حدیث»، نیز گردآوری و بررسی احادیث بود. با گسترش علوم تفسیر و حدیث، الهیات و حقوق یعنی دو شعبه علوم اسلامی یا «شریعت» تدوین یافت. در ابتدا الهیات و حقوق اسلامی از یکدیگر جدا نبود و در واقع رشته واحدی از علوم اسلامی محسوب می شد.

در «علم حدیث» سه حوزه علمی تکوین یافت:

۱. مکتب یا حوزه مدنی (عروة بن زبیر و الزهري)
۲. مکتب یا حوزه عراقی (الشعبی در کوفه)
۳. مکتب یا حوزه شامی (دمشق)

«علم حدیث» نیز بنابر ماهیت «حدیث» از دو بخش مرکب بود:

۱. اسناد یا برشمردن ناقلان حدیث،
۲. متن یا محتوای حدیث

«اسناد» در «علم حدیث» شعبه ای از علوم اسلامی را ایجاد کرد که «معرفة الرجال» یا «علم رجال» نامیده می شد. مجموعه احادیث نزد مسلمانان سنی مذهب عبارتند از:

۱. الجامع الصحيح یا «الصحيح» تصنیف ابو عبدالله محمد التجاری.
 ۲. الصحيح تصنیف مسلم بن حجاج نیشابوری.
 ۳. سنن ابن ماجه قزوینی.
 ۴. مجموعه ابوداود سجستانی بنام «سنن».
 ۵. الجامع الكبير محمد ترمزی.
 ۶. سنن تصنیف سنائی.
- منابع حدیث نزد شیعه عبارتند از:
۱. الکافی فی علم الدین تصنیف محمد بن یعقوب الکلینی.
 ۲. من لایحضره الفقیه تصنیف ابو جعفر محمد بن علی القمی.
 - ۳ و ۴. تهذیب الاحکام و استبصار تصنیف محمد بن حسن الطوسی.

تصانیف چهارگانه شیعه را الکتب الاربعه می خوانند.

نگرشی بر دانش و علم کتاب (کتاب شناسی) در جهان اسلام

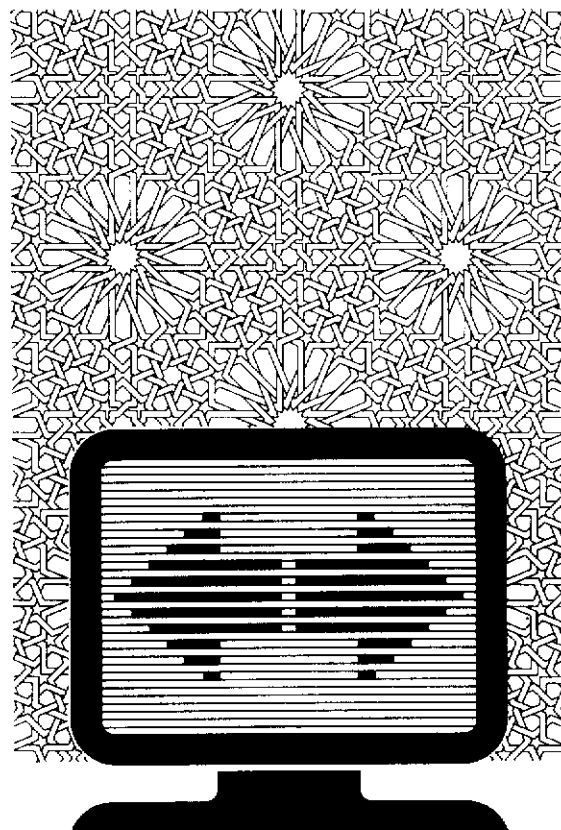
دانش و علم کتاب در قلمروهای اسلامی و جهان اسلام با بسط و توسعه صنایع کاغذ نضج گرفت و در اندک زمانی در سراسر قلمروهای اسلامی کارخانه های کاغذسازی بوجود آمد. در کنار بسط و توسعه صنایع کاغذسازی، کتابخانه های وسیع و متعددی ایجاد شد که به نمونه های زیر می توان اشاره کرد:

- کتابخانه صاحب بن عباد وزیر فخرالدوله دیلمی.
- کتابخانه سابور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله دیلمی با ده ها هزار جلد کتاب.
- کتابخانه سامانیان
- کتابخانه فاطمیان مصر با صدهزار کتاب.

برخی از این کتابخانه ها دارای فهرست بوده اند. فی المثل کتابخانه دوم اندلس چهارصد هزار جلد کتاب داشت و تنها فهرست آن بالغ بر چهل و چهار مجلد می شد. در کتابخانه عضدالدوله دیلمی کتب برحسب انواع علوم در حجره های جداگانه قرار داشت.

برکنار از اهمیت تاریخی بحث کتابخانه ها، وجود فهرست های کتابخانه، نگهداری کتب برحسب شاخه های علوم، معرف دانش کتابداری در زمینه تهیه فهرست و رده بندی علوم است که مبانی علوم کتابداری است. در برخی از کتابخانه ها چون کتابخانه فاطمیان مصر، به اهل علم کتاب به امانت داده می شد.

علوم کتابداری و اطلاع رسانی بر مبنای رده بندی دانش ها و معارف معنادار هستند، و با وجود رده بندی امکان جمع آوری



علمای پیشین می‌پرداختند که می‌توان به ابن ابی اصیبعه اشاره کرد که در عیون الانباء فی طبقات الاطباء دویست و سی و هشت کتاب از برای رازی می‌شمارد.

کتابشناسی‌های اسلامی در قلمروهای اسلامی

همان‌طور که اشاره رفت، تدوین و تدارک کتابشناسی در جهان اسلام با سنت دیر پای تحول علوم در سایر قلمروها پا گرفت و تحول یافت. برای نمونه، رازی فهرستی از تألیفات خود فراهم آورد که ابن‌الندیم آن را در الفهرست نقل کرده است، و ابن‌القفطی هم در اخبار الحکماء صورت خود را از روی آن نقل نموده است. ابن ابی‌صیبعه در عیون الانباء فی طبقات الاطباء دویست و سی و هشت کتاب از برای رازی می‌شمارد. ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ هجری) کتابی درباره آثار و تألیفات رازی نوشت، این کتاب با عنوان رساله ابی‌ریحان... شناخته شده است.

محمود نجم‌آبادی در اثر خود با عنوان مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریا رازی فهرست منظمی از رازی را منتشر کرده است.

دکتر مهدی محقق در کتاب فیلسوف ری: محمد بن زکریا رازی (در فصول پنجم و ششم) «آثار رازی به روایت ابن ابی‌اصیبعه»، و «کتابها و مقالات رازی» را آورده است که در واقع «کتابشناسی رازی» است.

«کتابشناسی رازی»، نمونه گویای جافتادن دانشی است که «شناخت کتاب» یا «علم کتاب» شمرده شده بود و امروزه به مثابه معرفتی جهان مشمول کاربرد دارد.

کتابشناسی‌های اسلامی در دیگر قلمروها

تهیه و تدارک کتابشناسی‌های اسلامی در دیگر قلمروها، به تبع پیدایش و گسترش فن کتابت و علم کتاب در جهان اسلام، برای شناخت جوامع اسلامی ضرورت پیدا کرد و علمای اروپایی به طور پی‌گیر شناخت کتابشناسی‌های اسلامی را دنبال کرده و شروع به ترجمه و انتشار آنها کردند.

برای نمونه، ویدمان (۱۹۲۰ میلادی) قسمتی از آثار بیرونی را به زبان آلمانی ترجمه کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. جی‌روسکا نیز در سال ۱۹۲۴ با افزودن تعلیقاتی بر آثار رازی، قسمت اصلی متن را به آلمانی ترجمه کرد که با عنوان:

«AL-BIRUNI ALS QUELLE FUR DAS LEBEN UND DEI SCHRI FTEN AL-RAZI'S»

در مجله ایزیس به چاپ رسید.

در سال ۱۹۳۶ پاول کراوس از روی نسخه لیدن به چاپ

اطلاعات را فراهم می‌آوردند. درواقع، رابطه بین کتابداری و اطلاع‌رسانی با رده‌بندی علوم یک رابطه مستقیم و ملموس است، و دور از ذهن نخواهد بود اگر گفته شود که رده‌بندی علوم مبنا و پایه کتابداری است. طبقه‌بندی علوم یا رده‌بندی که در دانش کتابداری کاربرد وسیعی دارد یکی از مباحث اصلی متفکران اسلامی بوده است.

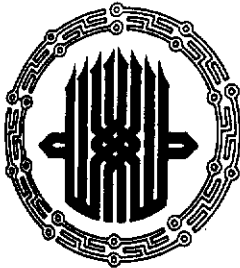
تهیه و تدارک کتابشناسی‌ها در جهان اسلام

تصنیف کتابشناسی در جهان اسلام، در جریان فتح سرزمین‌های دیگر بسط و توسعه یافت. حنین بن اسحاق که از کثرت ترجمه به حنین الترجمان اشتهار یافت، رساله‌ای به علی بن یحیی نوشته و در آن آثار جالینوس را که به زبان سریانی و عربی ترجمه شده بود یاد کرده است. این رساله در سال ۱۹۲۵ میلادی از روی نسخه منحصر به فردی که در ایاصوفیا (ترکیه) موجود بوده بوسیله برگشتراسر با ترجمه آلمانی چاپ شده و «ماکس مایر هوف» در سال ۱۹۲۶ در مجله «ایزس» مقاله‌ای نوشته و مطالب آن را به زبان انگلیسی معرفی کرده است. آقای دکتر مهدی محقق آن را ترجمه کرده و در مجله «معارف اسلامی» به چاپ رسانده است. از سوی دیگر تاریخ الاطباء «حنین» با ترجمه انگلیسی آن به وسیله فرانز رزنتال در سال ۱۹۵۴ در مجله «اورینس» چاپ شده و دکتر مهدی محقق در سال ۱۳۴۴ ترجمه آن را در مجله دانشکده ادبیات (دانشگاه تهران) منتشر ساخته است.

به طور کلی سنت تدارک کتابشناسی در جهان اسلام از شیوه و سنت یونانی ریشه می‌گیرد که در آن فلاسفه و متفکران یونانی مجموعه آثار خود را فهرست کرده و در اختیار دیگران قرار می‌دادند. درواقع تدارک کتابشناسی بصورت AUTO-BIO-BIBLIOGRAPHY در یونان رایج بوده است و همین جریان با ترجمه منابع سریانی به عربی، وارد جهان اسلامی شده بود. در یونان این امر به فنیکس باپنیکس شهرت داشته است.

نخستین صورت از تألیفات رازی فهرستی است که خود او برای کتابهایش نوشته که ابن‌الندیم آن را در الفهرست نقل کرده است و ابن‌القفطی هم در اخبار الحکماء صورت خود را از روی آن نقل نموده است. ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ هجری) کتابی درباره آثار و تألیفات رازی نوشت، این کتاب را خاورشناس فرزانه پاول کراوس در سال ۱۹۳۶ در پاریس با عنوان «رساله ابی‌ریحان فی فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی» به طبع رسانید.

از سوی دیگر دانشمندان اسلامی در منابع خود به ذکر آثار



رسالة بیرونی اقدام کرد و «بیلو» در سال ۱۹۵۵ در ضمن معرفی بیرونی ۱۸۰ اثر از وی را یاد کرد. اثر بیلوبا عنوان L'OEUVRE D' AL-BERUNI به زبان فرانسه انتشار یافت.

صورت برداری از کتابشناسی های اسلامی و فهرست های نسخه های خطی

برای صورت برداری از کتابشناسی های اسلامی چند ضابطه اصلی را می توان رعایت کرد:

الف. زمان: پی گیری کتابشناسی های اسلامی بر حسب زمان.

ب. مکان: پی گیری موضع انتشار و محل نگهداری کتابشناسی ها.

ج. شکل: منظور شکل سند اعم از مقاله، گزارش، یا کتاب است.

د. زبان: کتابشناسی اسلامی به چه زبانی تدارک شده است.

ه. موضوع: تعیین محدوده های موضوعی کتابشناسی های اسلامی که در متن همین گزارش به آنها اشاره شده است.

برای نمونه به کتابشناسی رازی اشاره می شود:

نخست، شناسایی فهرستی که رازی خود تهیه کرده است. دوم، شناسایی فهرستی که در الفهرست ابن الندیم آمده است.

سوم، شناسایی فهرستی که بیرونی آورده است. چهارم، شناسایی فهرستی که ابن القفطی در اخبارالحکماء آورده است.

پنجم، شناسایی «فهرست آثار رازی» در عیون الانبیاء فی طبقات الاطباء تصنیف ابن ابی اصیبعه.

ششم، شناسایی انتشارات جدید از فهرست رازی در مؤلفات مصنفات ابوبکر محمد بن زکریا رازی (اثر محمود نجم آبادی) و فیلسوف ری: محمد بن زکریای رازی (اثر مهدی محقق).

هفتم، شناسایی ترجمه به زبانهای دیگر که می توان به ترجمه آلمانی، انگلیسی، و فرانسوی فهرست رازی اشاره کرد.

درباره فهرست نسخه های خطی نیز معیارهای «زمان»، «مکان»، «شکل»، «زبان»، و «موضوع» مصداق دارد.

در پایان به برخی از کتابشناسی های اسلامی که در قلمروهای اسلامی به چاپ رسیده و نزد دانشمندان سایر سرزمینها شناخته بوده است اشاره می شود:

۱. ابن اکفانی، محمد بن برهان الدین. ارشاد القاصد الی امتی المقاصد. تألیف بین سالهای ۶۹۷ تا ۷۴۹ ه. ق.

۲. حاج خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتاب والفنون:

جامع المتون، مشتمل بر سی متن.

مختصر جامع المتون.

تقویم التواریخ (به ترکی).

سلم الوصول الی طبقات الفحول (به عربی).

۳. القلقشنندی، احمد بن علی. صبح الاعشی فی قوانین

الانشاء. قاهره: ۱۹۱۳ م. — ۱۹۱۹ م (۱۴ جلد).

۴. طاش کوپری زاده. مفتاح السعادة ومصباح السیادة فی

موضوعات العلوم. قاهره: ۱۹۶۸ (۴ جلد، چاپ کامل بکری و

عبدالوهاب ابوانور).

۵. ویتکام، ج. ج. «کتابشناسی علوم ابن اکفانی»، ترجمه

عباس خُری تحقیقات اسلامی. سال ۶، شماره ۱ و ۲ (۱۳۷۰)

۱۶۱-۱۷۳.

توصیهات:

۱. عبدالحسین آذرنگ، فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون (تهران: مؤسسه

تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی. مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۹):

پوری سلطانی، و فروردین راستین، اصطلاحنامه کتابداری: فارسی به انگلیسی و

انگلیسی به فارسی (تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵).

۲. همانجا.

۳. همانجا.

۴. همانجا.

۵. در مفهوم امروزی کتابشناسی می توان به کتابشناسی آینده نگر و

گذشته نگر، کتابشناسی انتقادی و گزارش رسانی، کتابشناسی بین المللی،

کتابشناسی جهانی، کتابشناسی ملی، کتابشناسی تاریخی، کتابشناسی

تحلیلی، کتابشناسی توصیفی و گزارش رسانی، کتابشناسی جامع یا فراگیر،

کتابشناسی موضوعی، کتابشناسی نظام یافته و... اشاره کرد. برای اطلاع

بیشتر نگاه کنید به: عباس خُری، «وحدت در کتابشناسی» در مروری بر

اطلاعات و اطلاع رسانی (تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی،

۱۳۷۲)، ص ۱۹۷-۲۰۸.